

کرونا در نظام ولایی

سعید صادقی

تجدد ایرانی و شکل‌گیری دولت-ملت در ایران رابطه‌ای مستقیم با شیوع بیماری‌های مسری همچون وبا در ابتدای قرون نوزدهم دارد. آیا همچون وبا، کرونا نیز می‌تواند ساختار سیاسی کشور را دگرگون کند؟

با ورود ویروس کرونا به داخل کشور و گسترش سریع آن در شهرهای مختلف مجموعه مصیبت‌های بیشمار مردم ایران در سال ۹۸ کامل شد. تقریباً بیشتر مردم عادی، و بخصوص جوانان، بر سر این نکته اشتراک دارند که دوران کنونی سخت‌ترین دوران زندگیشان است. چنین باوری به هیچ وجه خالی از حقیقت نیست چرا که آن‌ها در این چند ماه اخیر فاجعه‌هایی را از سر گذراندند که تحمل حتی یکی از آن‌ها هم در شرایط عادی کار مشقت‌بار و طاقت‌فرسایی است.

حالا و در روزهای پایانی سال اصلی‌ترین فاجعه موجود در کشور شیوع بیماری کروناست. مردم در شرایطی به مصاف این ویروس خطرناک رفته‌اند که بیش از هر وقت دیگری نسبت به حکومت بدبین و بی‌اعتمادند. نرخ پایین و بی‌سابقه مشارکت مردم در انتخابات اخیر طبق آمارهای خود حکومت شاهی بر این اعتمادی گسترده‌ست.

به نظر می‌رسد که جامعه همچون حکومت در حال پشت سر گذراندن دگردیسی‌ها و تغییر شکل‌های اساسی است. سؤال این است: آیا کرونا می‌تواند نقشی در این دگردیسی بازی کند یا نه؟

وبای دولت‌ساز

تاریخ‌نگاران علت‌های گوناگونی را برای پیدایش ایده ناسیونالیسم و شکل‌گیری مفهوم وطن در قرن نوزدهم ذکر کرده‌اند. به گمان آن‌ها یکی از مهم‌ترین و در عین حال جالب‌ترین این دلایل همه‌گیری بیماری‌های مسری و بخصوص وبا در این دوران است. به عنوان نمونه محمد توکلی طرقی اعتقاد دارد که تجدد ایرانی رابطه‌ای مستقیم با شیوع بیماری‌های مسری همچون وبا در ابتدای قرون نوزدهم در ایران دارد. به عقیده او مردم تا پیش از این زمان خیال می‌کردند که منشأ بیماری‌های عفونی عواملی مانند باد، گرما و خوراک و در سطحی دیگر خشم و عذاب خداوند است. در این زمان دولت برای اولین بار پا به عرصه عمومی گذاشت و، با دخالت بی‌سابقه در باورها و رسوم درمانی مردم، قوانین علمی و مقررات کلی‌ای را برای حفظ سلامت جامعه تصویب و اجرا کرد. از این پس دیگر مردم حق نداشتند فضولات و زباله‌های خود را در سطح خیابان‌ها رها کنند، قبرستان‌ها به بیرون شهر انتقال داده شد و اطاعت از توصیه‌های بهداشتی دولت برای تمام افراد جامعه الزامی گردید. به این ترتیب دولت مسئول ارائه خدماتی شد که تا آن روز در زمره وظایف تلقی نمی‌شد. توکلی طرقی این دولت اولیه در ایران را «دولت

فضول» می‌نامد، به این دلیل که تا پیش از آن دوران دخالت در امور شخصی و مسائل مربوط به بهداشت از نگاه مردم نوعی فضولی قلمداد می‌شد. ارائه خدمات بهداشتی به مردم و سامان دادن به یک نظام سلامت در سرتاسر کشور در آن سال‌ها اولین مرحله از یک گذار اساسی بود. گذار از مفهوم سنتی ارباب-حاکم به مفهوم مدرن دولت در ایران. به مانند کشورهای دیگر شکل‌گیری دولت منجر به تشکیل قُل دیگر خود یعنی ملت شد.

دخالت دولت در امور بهداشتی مردم تنها دلیل شکل‌گیری وطن نبود. همه‌گیری وبا به طریقی دیگر به پیدایش ناسیونالیسم مدرن در ایران کمک کرد. در آن سال‌ها دول عثمانی و روسیه از ترس انتقال بیماری‌های مسری از ورود اتباع ایرانی به داخل مرزهای خود جلوگیری کردند. دولت ایران مجبور شد از حفظ سلامت مسافران ایرانی پیش از سفر آن‌ها به بیرون از مرزهای کشور اطمینان حاصل کند و برای نخستین بار در مقیاسی کل دست به قرنطینه بزند. قرنطینه مردم در داخل مرزهای ایران موجب گردید مفهوم مرز مشخص‌تر و واضح‌تر از گذشته در ذهن توده‌های مردم نقش ببندد. به یک معنا دولت به طور ناخواسته با تاکید و تحدید مرزهای کشور توانست آن را در اذهان ایرانیان حک و ثبت کند و جغرافیایی مشخص به نام وطن را بوجود آورد. توکلی طرقتی می‌نویسد که رابطه شاه و مردم تا پیش از این دوران رابطه شبان و رمه بود و بعد از آن به مرور تبدیل به رابطه پدر و فرزند شد. ایران هم دیگر چراگاه نبود، مبدل به خانه‌ای بزرگ شد.

از دولت فضول تا ارباب فضول

امروز، بیش از یک قرن و نیم بعد از آن دوران، رابطه دولت و ملت در بحرانی‌ترین حالت خود به سر می‌برد. اکثر مردم ایران هیچ اعتمادی نسبت به حکومت ندارند. به باور آن‌ها نظام سیاسی موجود بر کشور سویه‌های منفی دولت‌های سنتی و مدرن تاریخ سیاسی ایران را یکجا در خود جمع کرده است، یعنی هم به مانند شبان‌های سنتی بی‌عرضه و بی‌تفاوت است و هم همچون پدرهای مدرن سرکوبگر و بی‌رحم. اگر از آنچه که در بالا از توکلی طرقتی ذکر شد وام بگیریم می‌توانیم بگوییم که نظام ولایی چیز است شبیه به «ارباب فضول». حکومتی که بدون ارائه خدمات رفاهی و بی‌آنکه توان تامین رفاه عمومی را داشته باشد جابجا و بدون دلیل در زندگی شخصی مردم دخالت می‌کند. اگر خودش در خطر باشد حتی به خصوصی‌ترین فضاها می‌مکند و رود می‌کند ولی اگر مردم در خطر باشند، در خوشبینانه‌ترین حالت، کار را به خودشان واگذار می‌کند.

رابطه میان مردم و حکومت در ماه‌های اخیر به دلیل وقوع اتفاقات ناگوار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین اشتباهات، تصمیمات، دروغ‌ها و سرکوب‌های پشت سرهم دولت به شدت متزلزل شده و ایرانیان در سرتاسر کشور به ورطه ناامیدی، هراس و نگرانی افتاده‌اند. مرحله نهایی سقوط به درون این ورطه شیوع کروناست. نظامی بر سر کار است که پس از یک دوره سرکوب شدید حالا در لحظه بحرانی از پس ساده‌ترین وظایف خود بر نمی‌آید و دوباره دست به خرابکاری و پنهانکاری می‌زند. برای مردم عادی دیگر دولت به هیچ روی متحد قابل اعتمادی در مقابله با بیماری‌های مسری‌ای مانند کرونا نیست بلکه به نحوی همدست و باعث و بانی تمام بلاهای طبیعی و غیرطبیعی در کشور است.

کرونا در واتیکان نظام ولایی

اگر در ابتدای قرون نوزدهم همه‌گیری وبا باعث شکل‌گیری مفاهیمی مانند مرز و دولت شد امروز همه‌گیری کرونا هر دو را زیر سؤال برده است. از یک سو ناتوانی دولت در جلوگیری از ورود بیماری به کشور، کم اهمیت جلوه دادن شیوع سریع کرونا در شهرهای مختلف و همچنین فقدان امکانات حداقلی بهداشتی از اساس نقش حمایتی دولت در ایران را به چالش کشیده است. و از سوی دیگر رابطه پیچیده و غیرشفاف حکومت ایران با دولت‌های متحد منطقه هم معنای مرز را هم در اذهان توده‌های مردم زیر سؤال برده است.

اینکه کرونا برای اولین بار در قم تشخیص داده شده شاید از دید مردم عادی بی‌دلیل و بی‌حکمت نباشد. برای آنها حضور کرونا در قم، به مثابه واتیکان نظام ولایی، همان معنایی را دارد که حضور سربازان ایرانی در سوریه و یمن. سخنگوی وزارت بهداشت در یکی از اولین سخنرانی‌هایش بعد از ورود بیماری کرونا به ایران گفت که نظام نمی‌تواند قم را قرنطینه کند. پیش از این هم گفته شده بود که مراقبت از مسافران خارجی به مرزهای ایران ناممکن است. در نظام ولایی مفهوم مرز معنایی ندارد چرا که خود نظام فقط از طریق مداخله در آن سوی مرزها توانسته قدرت و معنایش را حفظ کند. بی‌سبب نیست که تکتک ایرانیان فرمانده شاخه قدس سپاه را می‌شناسند اما معدود افرادی هستند که بدانند فرمانده خود سپاه کیست.

همانطور که وبا توانست ساختار سیاسی کشور را در اوایل قرن نوزدهم دگرگون کند کرونا نیز می‌تواند موجب ایجاد تغییراتی در ساختار فعلی شود. البته امیدواریم که کرونا ادامه نیابد و هر چه زودتر ریشه‌کن شود. یکی از این تغییرات می‌تواند تحلیل بردن اهمیت نهادهای پر قدرت مذهبی و نظامی حاکم بر کشور باشد. هم ارگان‌های مذهبی و هم ارگان‌های نظامی به مانند همیشه در این چند روز اخیر سعی کرده‌اند که خودشان را به عنوان ناجی ماجرا جا بزنند. بسیاری از روحانیون با دسته‌گل به بیمارستان رفتند، عده‌ای با بستن مکان‌های مذهبی مخالفت کردند و سپاه و بسیج دست به عملیات تهییجی و جهادی زدند. اقدامات هر دو گروه اما بلافاصله با مخالف شدید مردم و حتی بخش‌هایی از درون خود حاکمیت روبه‌رو شد. این بار دیگر نه تفنگ و چکمه جواب می‌دهد و نه روضه و سخنرانی. راهکار جدید نظام یعنی استفاده از ادبیات جنگی و سپاهیزه کرده خدمات پزشکی هم برای جلوگیری از کرونا راه به جایی نخواهد برد. تنها راه نجات از کرونا استفاده از علم مدرن دنیای سکولار است. برای نظام ولایی چنین نجات‌دهنده‌ای خطرناک‌تر از هر چیز دیگری است، حتی از خود فاجعه.

منبع سایت زمانه